

واکاوی ماهیت نهاد خانواده در فقه امامیه و حقوق ایران

Analysis of the Nature of the Family Institution in Imami Jurisprudence and Iranian Law

<https://dx.doi.org/10.52547/JFR.18.2.209>

A. Naghibi, Ph.D.

Department of Jurisprudence and Private Law, Shahid Mottahari University, Tehran, Iran

M. Shahriari, Ph.D. student

Department of Jurisprudence and Islamic Law, Imam Sadiq University, Tehran, Iran.

دکتر سیدابوالقاسم نقیبی

گروه فقه و حقوق، دانشگاه شهید مطهری

✉ **معصومه شهریار**

گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه امام صادق (ع)

دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱۰/۱۸

دریافت نسخه اصلاح شده: ۱۴۰۱/۶/۲

پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۶/۶

Abstract

The family is the oldest social institution known to mankind, nevertheless, the analysis of its nature is one of the complex and controversial issues among jurists, and it is disputed in the law of different countries. This research aims to explain the family with the focus on texts and sources of jurisprudence and law of Iran and examine the family as an independent entity. The research method is analytical-descriptive and data collection was done through library resources and it has a practical dimension as well in the field of law reform.

✉ Corresponding author: Department of Jurisprudence and Islamic Law, Imam Sadiq University, Tehran, Iran.

Email: masoumeh.shahriari@yahoo.com

چکیده

خانواده با سابقه ترین نهاد اجتماعی شناخته شده توسط بشر است؛ با وجود این تحلیل ماهیت آن یکی از مسائل پیچیده و اختلافی بین حقوق دانان می باشد و در دکترین کشورهای مختلف نیز مورد مناقشه واقع شده است. پژوهش حاضر با هدف شناسایی خانواده با محوریت نصوص و منابع فقه و حقوق ایران به بررسی خانواده به عنوان ماهیتی مستقل پرداخته است. روش پژوهش حاضر تحلیلی - توصیفی و جمع آوری اطلاعات از طریق کتابخانه صورت گرفته و به اعتبار استفاده از نتایج حاصل از آن دارای جنبه کاربردی در زمینه اصلاح قوانین می باشد.

✉ نویسنده مسئول: تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی

پست الکترونیکی: masoumeh.shahriari@yahoo.com

The research findings indicate that Iranian jurisprudence does not recognize the independent legal personhood of the family, but it has considered it an independent nature and separate from its members. In other words, the family is an independent institution, therefore, it is said that the totality of the family is not equal to the sum of its parts, but this network is the continuous influence of the relations of the members, which add to the complexity of family identification. The result of this new approach is that the family has laws separate from the laws of its members, and some of them include: the right to privacy, the right to spiritual dignity, the right to support formation, consolidation and excellence, the obligation to preserve the family etc.

Keywords: The independence of the nature of the family, the juridical-legal establishment of the family, the privacy of the family, the spiritual dignity of the family.

یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که فقه و حقوق ایران شخصیت حقوقی مستقل خانواده را به رسمیت نمی‌شناسد؛ لکن آن را یک ماهیت مستقل و جدای از اعضای آن به حساب آورده است. به عبارت دیگر خانواده یک تأسیس مستقل به شمار می‌آید؛ لذا گفته می‌شود که کلیت خانواده معادل جمع اجزاء آن نیست بلکه این شبکه تأثیر و تأثر مستمر روابط اجزاء است که بر پیچیدگی شناسایی خانواده می‌افزاید. نتیجه این رویکرد نوین آن است که خانواده به این اعتبار دارای آثار و احکامی جدا از آثار و احکام اعضای آن می‌باشد و برخی از آن عبارت است از: برخورداری حق حریم خصوصی، حق حیثیت معنوی، حق حمایت از تشکیل، تحکیم و تعالی، وجوب حفظ کیان خانواده و...

کلیدواژه‌ها: استقلال ماهیت خانواده، تأسیس فقهی-حقوقی خانواده، حریم خصوصی خانواده، حیثیت معنوی خانواده.

مقدمه

با مراجعه به کتب و قوانین مربوط به خانواده درمیابیم که در بحث خانواده تاکنون نگرش تک‌جانبی حاکم بوده است، بدین معنی که همواره آنچه مورد نظر قانون‌گذار و علمای حقوقی بوده، احکام، تکالیف و حقوق زوجین و فرزندان نسبت به یکدیگر است. در حالی که بررسی ماهیت آن یکی از موضوعات بسیار مهمی است که تاکنون فارغ از اعضای آن مورد بررسی تفصیلی و تحلیلی قرار نگرفته است. در استقلال ماهیت خانواده اولین مسئله‌ای که به ذهن خطور می‌کند بحث شخصیت حقوقی خانواده است. در پژوهش حاضر نیز ابتدا این موضوع مورد بررسی قرار می‌گیرد که آیا برای خانواده می‌توان شخصیت حقوقی متصور شد؟ فقه و حقوق ایران خانواده را به عنوان شخصیت حقوقی به رسمیت می‌شناسد؟ مواجهه فقه و حقوق با خانواده به عنوان یک نهاد اجتماعی است یا شخصیت حقوقی؟ طبق بررسی‌های انجام‌شده، پیشینه تاریخی برای این عنوان پژوهش وجود ندارد بلکه صرفاً در برخی از کتب حقوقی خانواده در ذیل مقدمه، به اهمیت نهاد

اجتماعی خانواده در فقه و حقوق ایران اشاره مختصری شده است. از جمله: مقدمه کتاب حقوق خانواده دکتر کاتوزیان^۱ ضمن یک صفحه به عنوان «گرایش به اصالت حقوق خانواده» پرداخته است. نقیسی^۲ در پژوهشی تحت عنوان «لاضرر و جبران خسارت معنوی» در بخش اول مقاله با عنوان «اصالت خانواده در تعالیم اجتماعی اسلام» به این موضوع اشاره کرده است. دادمرزی^۳ در پژوهش خود تحت عنوان «امکان‌سنجی پذیرش نظریه "شخصیت حقوقی خانواده" در حقوق ایران، کشورهای اسلامی، غرب و فقه اسلام» به این نتیجه رسیده است که خانواده فاقد شخصیت حقوقی است بدین معنا که موضوع حکم تکلیفی و یا وضعی جزئی قرار نگرفته است. نوشتار حاضر مشتمل بر پاسخ‌گویی به این سؤال است که آیا می‌توان خانواده را به عنوان ماهیت مستقل از اعضا به رسمیت شناخت؟ در صورت شناسایی این ماهیت مستقل، چه آثار و احکامی بر آن مترتب می‌باشد؟

۱. مفاهیم و مبادی خانواده

«خانواده گروهی است که به دلیل قرابت یا زوجیت همبستگی حقوقی و اجتماعی یافته و در رهبری و اداره مقامی قرار گرفته است» (کاتوزیان، ۱۳۹۴). عده دیگر خانواده را واحد حقوقی و اجتماعی معرفی کرده‌اند که لاقلاً از یک زن و یک مرد با رابطه زوجیت مشروع پدید آمده باشد و وجود زن و مرد را در ابتدا شرط حدوث خانواده دانسته‌اند نه شرط بقاء. (جعفری لنگرودی^۴، ۱۳۸۸) برخی اندیشمندان خانواده را یک نهاد اساسی و تأسیس حقوقی مستقل دارای نظام خاص می‌دانند؛ لذا آن را گروهی متشکل از افراد دانسته که به دلیل رابطه خویشاوندی یا رابطه زوجیت بین آن‌ها به اجتماع انسانی مشترکی وابسته هستند و در آن اجتماع زن و شوهر به‌طور مشترک هدایت اخلاقی و تربیت فرزندان را برعهده دارند و در نتیجه باعث ایجاد فرهنگ مشترک شده‌اند و در واحد خاصی به نام خانواده زندگی می‌کنند (دینانی^۵، ۱۳۷۹).

در تعریف دیگری چنین آمده است: «پیوند قانونی دو جنس مخالف بر پایه روابط پایا تقدس مذهبی روابط عمیق عاطفی که با نوعی قرارداد اجتماعی و آثار مهم فرهنگی همراه است.» (انگلس^۶، ۱۹۷۳) در تعریف دیگر آمده است: «ازدواج فرایندی از کنش متقابل دو فرد که با شرایط قانونی و طی مراسمی تشکیل می‌شود و به‌طور کلی عمل آنان مورد پذیرش قانون قرار گرفته است» (کارلسون، ۱۹۶۳)^۷. به هر حال خانواده گذشته از واقعیت‌های بیرونی، در اذهان دانشمندان و مردم تعریفی روشن دارد. (کارلسون، ۱۹۶۳) به‌زعم ما خانواده گروهی انسانی است که به جهت خویشاوندی و زوجیت هویت اجتماعی یافته است.

۲. تبیین مفهوم شخصیت حقوقی^۸

پژوهشگران و نویسندگان برای تعریف شخصیت حقوقی راه‌های گوناگونی را پیموده‌اند. (صفار^۹، ۱۳۷۳) برخی معتقدند: «شخص حقوقی و یا اعتباری عبارت است از دسته افراد انسان یا مؤسسه‌ای از مؤسسات تجاری یا خیریه و امثال آن‌هاست که قانون به آن‌ها شخصیت می‌دهد یعنی برای آن‌ها حقوق و تکالیفی شبیه به حقوق و تکالیف انسانی تا آنجا که میسر است قائل می‌شود. دولت‌ها، شهرها، شرکت‌های تجاری، دانشگاه‌ها، بیمارستان‌ها اشخاص حقوقی هستند.» (شایگان^{۱۰}، ۱۳۷۵). برخی دیگر در تعریف واژه آورده‌اند که: «شخص حقوقی از اجتماع و تشکل و همبستگی افراد انسانی یا اشخاص حقیقی به‌منظور انجام مقصد و هدفی اعم از انتفاعی یا غیرانتفاعی تحت شرایط و مقررات قانونی به وجود می‌آید» (صالحی نجف‌آبادی^{۱۱}،

۱۳۹۲). «شخص حقوقی عبارت است از شخصیتی که به‌وسیله شخص یا اشخاصی اعم از حقیقی و حقوقی به وجود می‌آید و می‌تواند دارای همه نوع دارایی و حقوق و تکالیف و اعمال آن‌ها جز آنچه مختص به فرد انسان است بشود» (کیایی^{۱۲}، ۱۳۵۰). در فقه اسلامی به‌جای واژه شخصیت یا شخصیت حقوقی اصطلاح «ذمه» و اصطلاح «جهت» یا «جهت عامه» جای شخص حقوقی را گرفته است (صفار، ۱۳۷۳). ذمه، صفتی است که به انسان زنده به‌عنوان شخص حقیقی و به موضوعات غیرانسانی به‌عنوان شخص حقوقی مرتبط است.

۳. تبیین مفهوم نهاد اجتماعی^{۱۳}

پاره‌ای از اندیشمندان نهادهای اجتماعی را منحصر در نهادهای خانواده، اقتصاد، آموزش و پرورش، حقوق و حکومت می‌دانند (مصباح‌یزدی^۴، ۱۳۷۹) و آن را مجموعه‌ای از هنجارها می‌دانند که در یک دستگاه اجتماعی به کار بسته می‌شوند و قانونی بودن یا نبودن هر چیز را در آن دستگاه تعیین می‌کنند. در نظر این عده خانواده، مدرسه، دانشگاه و مانند این‌ها از نهادهای اجتماعی محسوب می‌شود (هانری^{۱۵}، ۱۳۴۹). در تعریف دیگر از نهاد اجتماعی آمده است: «نهادهای اجتماعی یعنی مناسبات اجتماعی انتزاعی» (مصباح‌یزدی، ۱۳۷۹)، «یک نهاد مجموعه یا خوشه‌ای از وظایف اجتماعی است»، «یک نهاد عبارت از یک مفهوم و یک ساخت است» (مصباح‌یزدی، ۱۳۷۹) مک‌آریو نیز نهاد اجتماعی را همان مؤسسه پایدار و خانواده را یکی از مصادیق آن پنداشته است (مصباح‌یزدی، ۱۳۷۹). قدر مشترک در تعاریف مزبور آن است که نهادها فقط شامل انگاره‌های مقبول فعالیت برای برآوردن حاجات بشری نیستند؛ بلکه انگاره سازمانی برای انجام فعالیت را نیز دربر می‌گیرند. (روسک و وارن^{۱۶}، ۱۳۶۹) به‌طور کلی می‌توان گفت که نهاد اجتماعی مفاهیمی انتزاعی است که از امور و شئون مهم و اجتناب‌ناپذیر زندگی اجتماعی بشر حکایت می‌کند (مصباح‌یزدی، ۱۳۷۹). برای مثال خانواده را یکی از نهادهای اجتماعی محسوب می‌دارند زیرا مفهومی انتزاعی است که از بخشی از اعمال عمده و گریزناپذیر حیات انسان در جامعه مانند توالد، تناسل، تربیت و حضانت حکایت می‌کند.

۴. اعتبارسنجی خانواده به‌عنوان شخصیت حقوقی

۴-۱. مؤلفه‌های تشکیل شخصیت حقوقی

سؤالی که مطرح می‌شود آن است که برای تحقق و ایجاد شخصیت حقوقی چه شرایط و عواملی نیاز است؟ پاره‌ای از حقوق‌دانان سه مورد (۱) وجود افراد انسانی، ۲) وجود مصلحت خاص که اقتضا نماید تا آن افراد به‌عنوان جمعی موضوع حق و تکلیف قرار گیرند ۳) اعتبار دادن قانون به دو عامل فوق) را برای فراهم آوردن اشخاص حقوقی ضروری می‌دانند. (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۶۱). عده دیگر دو عامل واقعیت خارجی (منافع و هدف‌های خاص) و مقررات حمایتی را برای تشکیل شخصیت حقوقی لازم دانسته‌اند (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۶۱). دسته دیگری نیز هستند که وجود هدف خاص، اهلیت و اراده را معتبر شمرده‌اند (صفایی و قاسم‌زاده، ۱۳۹۶). عده‌ی دیگر در تشکیل شخصیت حقوقی منافع و فعالیت مشترک، اموال و طرف حق و تکلیف شناختن قانون را عامل پدید آمدن شخصیت حقوقی می‌دانند (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۶۱؛ صفایی و قاسم‌زاده^{۱۷}، ۱۳۹۶). به‌هرحال می‌توان عوامل و عناصر مشترک ایجاد شخصیت حقوقی را در ۳ مؤلفه ذیل خلاصه نمود: ۱) وجود یک موضوع مستقل که عنوان شخصیت حقوقی بتواند بر آن مترتب شود. ۲) وجود

مصالح و منافع مشترک و در یک کلام هدف مشروع ۳. وجود اراده معتبر (صفار، ۱۳۷۳؛ جعفری‌لنگرودی، ۱۳۹۲). در اسلام نیز برای اثبات شخصیت حقوقی از ملاک و ضابطه اصلی اهلیت تملک، صلاحیت مالک شدن و صاحب ذمه بودن استفاده می‌شود؛ بنابراین در صورت اثبات اهلیت تملک حقوقی برای موضوعی (اعم از ملکیت و سایر حقوق) شخصیت حقوقی آن در فقه اسلامی ثابت می‌شود. در واقع فقها برای نشان دادن شخصیت حقوقی موضوعات غیرانسانی از اصطلاح «ذمه» استفاده کرده‌اند (صفار، ۱۳۷۳).

۴-۲. آثار شخصیت حقوقی

شخصیت حقوقی پس از تشکیل آثاری از جمله نام و نشان، اقامتگاه، تابعیت، اهلیت (اعم از اهلیت تمتع و اهلیت استیفا)، دارائی و مسئولیت دارد. آثار شخصیت حقوقی در ماده ۵۸۸ قانون تجارت تبیین شده است: «شخص حقوقی می‌تواند دارای کلیه حقوق و تکالیفی شود که قانون برای افراد قائل است مگر حقوق و وظایفی که بالطبع فقط انسان ممکن است دارای آن باشد مانند حقوق و وظایف ابوت، به‌نوبت و امثال آن.» بر اساس این ماده قانونی میان شخص حقیقی و حقوقی نسبت به حقوق هیچ‌گونه تفاوتی وجود ندارد، جز در حقوقی که شخص نمی‌تواند موضوع آن‌ها واقع شود؛ از جمله آثار شخصیت حقوقی مالکیت، حیثیت معنوی، دارا بودن حق و تکلیف، حق حمایت اجتماعی است.

۴-۳. آثار و احکام مترتب بر خانواده به‌عنوان شخصیت حقوقی

۴-۳-۱. نام و نشان از منظر اجتماعی: برای خانواده می‌توان نام و نشان مخصوص در نظر گرفت. همان‌گونه که مشهود است نام خانوادگی پدر (رئیس خانواده) بر آن خانواده اطلاق می‌گردد.

۴-۳-۲. اقامتگاه: اقامتگاه زن شوهردار دائم یا موقت طبق ماده ۱۰۰۵ قانون مدنی همان اقامتگاه شوهر هست؛ اما از این عام ۴ مورد تخصیص خورده است و در این موارد طبق اصل اولیه عمل نمی‌شود: ۱. زنی که شوهرش اقامتگاه معلومی ندارد. (ماده ۱۰۰۵ قانون مدنی) ۲. زنی که با رضایت شوهر خود مسکن مستقل انتخاب کرده است. (۱۰۰۵ قانون مدنی) ۳. زنی که با اجازه محکمه مسکن علی‌حده اختیار کند (۱۰۰۵ قانون مدنی) و آن در موردی است که زن و شوهر در یک منزل متضمن خوف ضرر بدنی و مالی و شرافتی برای زن باشد (ماده ۱۱۱۵ قانون مدنی) ۴. در صورتی که به دستور ماده ۱۱۱۴ اختیار تعیین منزل به زن داده شده باشد و از آنجایی که فرزندان نیز با پدر و مادر زندگی می‌کنند. در غیر از موارد استثنا باید گفت اعضای خانواده در حالت عادی دارای اقامتگاه مخصوص خود می‌باشند ولی خانواده به‌عنوان ماهیتی مستقل فاقد اقامتگاه است.

۴-۳-۳. تابعیت: هر یک از کشورها و کنوانسیون‌های بین‌المللی بر اساس نظریه‌های وحدت، استقلال تام و استقلال نسبی تابعیت زوجین، قوانین متفاوتی را وضع کرده‌اند. وحدت تابعیت^{۱۸} به‌معنای این است که تابعیت زوج بر تابعیت زوجه مقدم و تحمیل می‌شود و هر دو نفر یک تابعیت خواهند داشت. استقلال تابعیت^{۱۹} به‌معنای این است که هر یک از زوجین آزادانه تابعیت مستقل خود را دارد و مباحث در ذیل دو عنوان تابعیت زنان خارجی که با مردان ایرانی ازدواج می‌کنند و مردان خارجی که با زنان ایرانی ازدواج می‌کنند قابل تقسیم است که جهت رعایت اختصار از ذکر آنان خودداری می‌شود. روش قانون مدنی ایران «وحدت

تابعیت خانواده» و ترجیح تابعیت زوج بر تابعیت زوجه و حتی ترجیح تابعیت ناشی از نسب پدری بر تابعیت منبعث از نسب مادری می‌باشد. مؤید مطلب فوق مواد ۹۷۶ (بند ۶) و ۹۸۶ ق.م است که در آن زن خارجی در صورتی که به ازدواج مرد ایرانی دربیاید تابعیت ایرانی پیدا کرده و زن ایرانی که با تبعه خارجی ازدواج نماید تابعیت ایرانی خود را از دست می‌دهد (ماده ۹۸۷ ق.م). همچنین زن و اولاد صغیر کسانی که تحصیل تابعیت ایران می‌نمایند تبعه دولت ایران شناخته می‌شوند (ماده ۹۸۴ ق.م). با این حال تصویب قانون «اصلاح قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی» مصوب ۱۳۹۸ بیانگر تغییر موضع قوانین نسبت به تابعیت اعضای خانواده است که در آن اصل استقلال تابعیت افراد اعضای خانواده بر اصل وحدت تابعیت خانواده ترجیح داده شده است و فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی می‌توانند به درخواست مادر ایرانی خود به تابعیت ایرانی درآیند؛ لذا برتری تابعیت مرد بر اعضای خانواده تا حدودی نقض شده است. باید افزود طبق ب.م. ۱۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) زنان و مردان باید در موضوع قوانین تابعیت از حقوق مساوی برخوردار بوده و بتوانند اختیارات خود را به‌طور یکسان اعمال نمایند (ایمانی‌نائینی و صادقی^{۲۰}، ۱۳۹۰) و مطابق ماده یک کنوانسیون تابعیت زنان ازدواج کرده (۱۹۵۷) ازدواج، هیچ تأثیری در تابعیت زنان ندارد و طبق ماده ۹ کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان، ازدواج خودبه‌خود نباید موجب تغییر تابعیت زن، بی‌تابعیت شدن او یا تحمیل تابعیت شوهر بر او شود و زنان همچون مردان دارای حق مساوی در زمینه کسب، تغییر یا حفظ تابعیت هستند (توسلی‌نائینی و پورمراد^{۲۱}، ۱۳۹۶). همان‌گونه که مشهود است در لوایح بین‌المللی و کنوانسیون‌ها اصل استقلال تابعیت مورد توجه کشورهای جهانی قرار گرفته است که این امر در قوانین عادی آن‌ها نیز ظهور و بروز دارد، اما قوانین ایران از تحولات بین‌المللی در راستای به رسمیت شناختن حق استقلال افراد در تابعیت بازمانده است؛ لذا بازنگری در قواعد قانون مدنی ایران در باب ازدواج با اتباع بیگانه مندرج در ب.م. ۶. ۹۷۶ و ماده ۹۸۷ ق.م و م. ۹۸۴ الزامی به نظر می‌رسد. در نهایت باید گفت باتوجه به ماده واحده اصلاح قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی و به‌دلیل اصل عقلایی آزادی افراد در کسب، تغییر و حفظ تابعیت خود، نظریه استقلال تابعیت زوجین وجیه می‌نماید که در نتیجه آن، خانواده نیز دارای تابعیت واحد و یگانه نخواهد بود؛ بنابراین با توجه به استقلال تابعیت افراد و نبود وحدت تابعیت برای نهاد خانواده شخصیت حقوقی آن نیز نفی می‌شود.

۴-۳-۴. اهلیت: اهلیت همان صلاحیت دارا شدن حق و تکلیف و اجرای آن‌ها است. در نظام مملکتی، اتباع ایرانی می‌توانند مالک مال غیرمنقول باشند، ولی اجنبی از چنین صلاحیتی برخوردار نیست و این اهلیت همان‌گونه که از تعریفش پیداست، دارای دو وجهه ممتاز و دو مرحله است: اهلیت تمتع (صفار، ۱۳۷۳) و اهلیت استیفا و تصرف (طاهری^{۲۲}، ۱۴۱۸). در فقه امامیه و حقوق ایران دیده می‌شود که خانواده مورد تکلیف و یا حق واقع شده است یعنی دارای اهلیت تمتع است؛ به‌عنوان مثال خانواده به‌عنوان نهادی که دارای حیثیت، آبرو، کرامت و حقوق و مسئولیت‌های متعدد است، حریمی دارد که وجدان عمومی نقض آن را توسط اشخاص حقیقی و حقوقی برنمی‌تابد (نقیبی و شهریاری^{۲۳}، ۱۴۰۱). لکن اهلیت استیفا ندارد مثلاً می‌توان مالی را برای خانواده‌ای وقف کرد اما این وقف به حسب افراد خانواده است و استیفای آن نیز به وسیله اعضا صورت می‌گیرد. باین‌حال برای خانواده نمی‌توان شخصیت حقوقی در نظر گرفت؛ بدین معنی که وجود

حقوق و تکالیف برای خانواده را نایستی حمل بر وجود شخصیت حقوقی کرد، بلکه باید آن را یک تاسیس فقهی - حقوقی دانست که ماهیت مستقل از اعضای خود دارد.

۴-۳-۵. **دارائی:** رژیم مالی پذیرفته شده توسط قانون و فقه امامیه در روابط مالی زوجین، افتراق اموال و دارایی است و هر یک از زن و شوهر همانند قبل از ازدواج، اموال مخصوص به خود را دارد و نسبت به آن دارای اختیار تام و استقلال کامل است. ازدواج باعث تشکیل دارایی مشترک بین زوج و زوجه نمی شود و همانند کشورهای غربی پس از طلاق دارایی مشترک به وجود نمی آید. به عنوان مثال زوج در ارثی که به زوجه رسیده است حقی ندارد و زن می تواند آزادانه در آن تصرف کند. ریاست زوج نیز مجوز دخالت در این گونه دارایی ها و اموال مختص زوجه نمی باشد. به عبارتی زن از اهلیت کامل در اداره اموال خود برخوردار است (ماده ۱۱۸ قانون مدنی) و همانند مرد می تواند مالک اموالی باشد که هرگونه تصرف و عمل مادی و حقوقی را که بخواهد، اعم از انتفاع یا انتقال آزادانه نسبت به دارایی خود از قبیل جهیزیه، ارث و ... انجام دهد. در صورت اختلاف زوجین و ناکافی بودن دلایل جهت اثبات مالکیت طرفین، همانند اموال مشاع قهری با آنها برخورد می شود که در این گونه موارد مال بین دو طرف تقسیم خواهد شد.

در این مورد فقیهان نیز اظهار می دارند که با بلوغ، فرد از ولایت پدر خارج و صلاحیت اداره اموال خود را پیدا می کند که در نتیجه آن دیگران بدون اجازه فرد حق تصرف در اموال او را ندارند. علی رغم آثار مالی عقد ازدواج برای زوجه (همانند حق نفقه و مهریه و...) لکن این عقد تأثیری در ولایت اقتصادی زوج بر اموال زوجه را ندارد و مالکیت مشاع از آن انتزاع نمی شود و همان گونه که گفته شد زوجین پس از نکاح، همانند قبل از آن در اموال و دارایی های خود استقلال عمل دارند. دکتر کاتوزیان نیز معتقد است اصل استقلال اموال زوجین یک قاعده امری است که شرط خلاف آن نافذ نمی باشد. (کاتوزیان، ۱۳۹۴) نتیجه آنکه در فرض قائل بودن شخصیت حقوقی برای خانواده می بایست دارایی برای آن متصور شد و از آنجاکه نهاد خانواده به طور مستقل دارای اموال و ثروت و دارایی نیست بنابراین خانواده فاقد شخصیت حقوقی است.

حتی کسانی که اشتراک اموال را قبول کرده اند «شخصیت حقوقی خانواده» را قبول ندارند؛ زیرا نظام اشتراک در اموال بین زن و شوهر شرکت نیست و هدف از تشکیل شرکت سودآور بودن است، حال آنکه در خانواده هدف از اشتراک زن و شوهر در اموال و املاک تجارت نیست تا تحصیل سود هدف نهایی باشد؛ بلکه مقصود آن است که چون زن هم در اقتصاد خانواده نقش مستقیم یا غیرمستقیم ایفا می کند لذا در املاک یا اموال با شوهرش شریک باشد. از طرفی نمی توان گفت نظام اشتراک در اموال یا املاک بین زن و شوهر یک مؤسسه حقوقی است؛ زیرا مؤسسات حقوقی هم با اهداف خاصی تشکیل می شوند که در قانون پیش بینی شده است؛ بنابراین نظام اشتراک دارایی زن و شوهر نظام خاصی است و با شرکت و مؤسسه حقوقی تفاوت دارد.

از طرفی تقسیمات شرکت عبارت است از: شرکت اموال، اعمال و اعتبار که از این موارد تنها شرکت اموال پذیرفته شده است. بالفرض با پذیرفتن اشتراک اموال زوجین به عنوان شرکت اعمال و یا اعتبار نیز این شرکت جزء شرکت های مدنی محسوب خواهد شد که در قانون کشور ما برای چنین شرکت هایی شخصیت حقوقی پیش بینی نشده و قانون تجارت شخصیت حقوقی شرکت های تجاری را به رسمیت شناخته است. حتی شرط انتقال تا نصف دارایی که در سند ازدواج نیز آمده است جزء شرکت محسوب نمی شود؛ زیرا در فقه اسباب

شرکت و شراکت مشخص است و خارج از این چهارچوب نمی‌توان شرکتی را تأسیس نمود. تا جایی که توافق زوجین در ضمن عقد مبنی بر اشتراک اموال نیز در قالب هیچ‌یک از اقسام شرکت قرار نمی‌گیرد و نظام حقوقی اسلام رژیم اشتراک اموال را نمی‌پذیرد.

۴-۳-۶. مسئولیت: مسئولیت یکی دیگر از آثار شخصیت حقوقی است که در صورت اعطای شخصیت حقوقی به خانواده بایسته است که بدان پرداخته شود. در فقه امامیه به مسئولیت خانواده اشاره‌ای نشده است لکن در قانون مدنی ایران این ریاست به زوج اعطا شده است (ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی) که ریاست زوج بر خانواده ریاست بر شخصیتی سوای از شخصیت اعضا و افراد آن است و تمامی اعمال نظرات از سوی زوج می‌بایست در راستای حفظ کیان، تقویت و تحکیم خانواده باشد و از این حق برای منافع شخصی نمی‌تواند استفاده کند.

۴-۴. دیدگاه فائلین به عدم شخصیت حقوقی برای خانواده

در مقام بحث از شخصیت حقوقی خانواده، پاره‌ای از حقوق دانان موضع سکوت را اتخاذ کرده‌اند و صحبتی از این بحث در نوشته‌های خود به میان نیاورده‌اند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷؛ امامی، ۱۳۹۶). عده دیگری از اندیشمندان بدون بحث تفصیلی منکر شخصیت حقوقی خانواده شده‌اند (کاتوزیان، ۱۳۹۴) و معتقدند خانواده نمی‌تواند دارای اموال باشد و تعهدات خانواده نیز جزء تعهدات اعضا و افراد آن نیست و خانواده به طور مستقل نمی‌تواند موضوع حق و تکلیف قرار گیرد. اینان ماهیت خانواده را جزء ماهیت اعضای آن نمی‌دانند و خطابات تکالیف و حقوق را صرفاً متوجه اعضای خانواده می‌دانند و معتقدند که در هیچ موردی خانواده به‌طور مستقل موضوع تکلیف واقع نشده است (حکمت‌نیا^{۲۴}، ۱۳۹۰) و اعضا، حقوق و تکالیف تضمین شده‌ای جدای از فردیت ندارند و مواردی همچون حضانت و قیمومیت متوجه شخصیت حقوقی خانواده نیست بلکه موارد مزبور برعهده اشخاص است (جعفری‌هرندی^{۲۵}، ۱۳۸۴). ژان دابن در مقاله‌ای با عنوان «مسئله شخصیت حقوقی خانواده» بیان داشته است که برای ایجاد شخصیت حقوقی هدف مشترک لازم است و چون خانواده دارای این هدف مشترک نیست و اعضای آن نمی‌توانند برای نیل به هدف واحدی به‌طور مشترک فعالیت کنند، بنابراین شخصیت حقوقی آن نیز منتفی است. (به‌نقل از: صفایی^{۲۶}، ۱۳۷۴) صفایی برای اولین بار موضوع عدم شخصیت حقوقی خانواده را در ادبیات حقوقی ایران وارد کرده‌اند. ایشان بر این باورند که در حقوق کنونی ایران به دلیل حاکمیت عرف و آداب و سنن بر شالوده خانواده و سیطره نداشتن روحی واحد بر کلیت خانواده، شناختن شخصیت حقوقی برای خانواده نه‌تنها ضرورتی ندارد، بلکه بر مشکلات موجود نیز خواهد افزود (صفایی، ۱۳۷۴). نظریه ایشان شاید بدین دلیل باشد که قواعد حقوقی در اثر احتیاج جامعه به وجود می‌آیند و در ایران هنوز احتیاجی در این زمینه احساس نمی‌شود و شناختن شخصیت حقوقی برای خانواده در صورتی رواست که روح تعاون و زندگی جمعی در خانواده قوی بوده و یکپارچگی و وحدت کامل از لحاظ مادی و معنوی در بین اعضای خانواده وجود داشته باشد تا وقتی روحیه فردگرایی بر خانواده حکومت می‌کند و اعضای خانواده دارای طرز فکرهای مختلف بوده و احساس و مسئولیت و منافع مشترک نداشته باشند، قانون‌گذار نمی‌تواند شخصیت حقوقی برای خانواده قائل شود.

برخی از اندیشمندان دلیل مخالفت خود را با قائل شدن شخصیت حقوقی برای خانواده، دارا نبودن حق و یا تکلیف این نهاد حقوقی می‌دانند (جعفری‌هرندی، ۱۳۸۴). به باور بعضی نویسندگان دیگر نیز همواره این اعضای خانواده‌اند که موضوع خطابات قانونی قرار می‌گیرند و خانواده به صورت مستقل موضوع تکلیف نیست. (حکمت‌نیا، ۱۳۹۰) با این وجود همواره به خانواده به عنوان یک هویت مستقل که از ترکیب خاصی پدید می‌آید توجه شده است.

۴-۵. دیدگاه فائلین به وجود شخصیت حقوقی خانواده

در مقابل این گروه دسته‌ای قائل به وجود شخصیت حقوقی خانواده هستند. آنان معتقدند اولین تئوری شخصیت حقوقی مربوط به خانواده و در جوامع اولیه رخ داده است. گرچه این شخصیت حقوقی مثل امروز سازمان‌یافته و علمی نبوده ولی می‌توانیم بگوییم رگه‌هایی از نظریه شخصیت حقوقی در جوامع اولیه به صورت ابتدایی وجود داشته است. در اسناد تاریخی جوامع اولیه زمین به افراد تعلق نداشت بلکه متعلق به خانواده بود (تیموری^{۲۷}، ۱۳۸۵). زمینی که مسکن دائمی خانواده در آن قرار داشت به هیچ‌وجه از خانواده جدا نمی‌شد و تمام افراد خانواده باید یکی پس از دیگری در همان زمین به دنیا آمده و در همان زمین هم بمیرند به عقیده آنان مردگان خانواده نیز حتی پس از مرگ به صورت فرشتگان و خدایان و محافظان خانواده به زندگی خود در آن مکان ادامه می‌دهند و آنان چیزی به نام مالکیت شخص نداشتند؛ بلکه تنها خانواده دارای مالکیت بوده است. به عبارت دیگر آنان برای خانواده مالکیت و ریاست قائل بودند. پدر نیز به عنوان رئیس این کانون تصمیمات را به تنهایی می‌گرفت و این چیزی جز فکر شخصیت حقوقی خانواده نبود (صفا، ۱۳۷۳).

در آثار فیلسوفان غرب نیز علی‌رغم روح فردگرایی چیره بر جامعه می‌توان چنین نظریه‌ای را مشاهده نمود. هگل معتقد است: «خانواده به عنوان یک شخصیت حقوقی می‌بایستی با نمایندگی شوهر به عنوان رئیس در ارتباط با دیگران ایفای نقش نماید» (موری^{۲۸}، ۲۰۱۰) او برای خانواده، دارایی قائل است که اموال مشترک میان اعضای خانواده به نحو اشاعه به شمار می‌رود و شوهر فقط اداره‌کننده آن است. برادران مازو^{۲۹} حق بر شرف و حیثیت خانواده (صفا، ۱۳۷۳) را مسلم دانسته‌اند و می‌گویند: «تجاوز به پاره‌ای از حقوق باید تنها یک حق اقامه دعوا به وسیله نماینده خانواده پدید آورد، نه دعاوی که هر یک از اعضای آن منفرداً اقامه نمایند. نه تنها حق بر نام چنین است بلکه بسیاری حقوق دیگر حق بر شرف و حیثیت خانواده، حق بر محبت که نقض آن حق اقامه دعوا برای جبران خسارت معنوی ناشی از مرگ اتفاقی یکی از اعضای خانواده را ایجاد می‌کند. آیا عادی نیست اشخاص که با رئیس خانواده برای تأمین مایحتاج خانواده معامله کرده‌اند، حق اقامه دعوا در خانواده داشته باشند؟» (دادمرزی، ۱۳۹۴)

رنه ساواتیه^{۳۰} طرح ۶۲ ماده‌ای شخصیت حقوقی خانواده را تهیه کرده است (صفایی، ۱۳۸۷). او معتقد است که خانواده در حقوق فرانسه دارای شخصیت حقوقی است؛ از جمله شوهر رئیس خانواده است و در پاره‌ای موارد به عنوان نماینده خانواده اقدام می‌کند، در انجمن‌های خانوادگی به نمایندگی خانواده خود شرکت می‌نماید و قانون او را موظف می‌دارد که دفترچه خانوادگی^{۳۱} را حفظ کند و مطابق وضع روز نگه دارد و روبه قضایی فرانسه نیز خانواده را صاحب حقیقی بعضی از حقوق تلقی می‌کند مانند حق برنامه خانوادگی، حق معنوی نسبت به خاطرات خانواده و غیر آن. و از سوی دیگر بجاست که شخصیت حقوقی کامل برای

خانواده شناخته شود. البته باید افزود به‌موجب اصلاحی که در سال ۱۹۷۰ در ماده ۲۱۳ قانون مدنی فرانسه به‌عمل‌آمده شوهر دیگر رئیس خانواده به شمار نمی‌آید، بلکه زوجین مشترکاً ریاست خانواده را تأمین می‌کنند.

۵. تطبیق مؤلفه‌های تشکیل شخصیت حقوقی با نهاد خانواده

آیا ضابطه تشخیص شخصیت حقوقی قابلیت تطابق با نهاد خانواده را دارد یا خیر؟ که در صورت مطابقت همه موارد، شخصیت حقوقی خانواده اثبات می‌گردد و در صورت عدم مطابقت، شخصیت حقوقی خانواده قابل اثبات نمی‌باشد.

۵-۱. موضوع مستقل خانواده: عنوان خانواده در متون قانونی کشور ما موضوع احکام متعددی قرار گرفته است که تأمل در آن‌ها برای اظهارنظر درباره پذیرش یا عدم پذیرش شخصیت حقوقی برای خانواده از نگاه سیستم قانون‌گذاری در کشور و همسویی یا ناهم‌سویی آن با تحلیل حقوقی یادشده ضروری می‌نماید. به‌عنوان مثال قانون اساسی خانواده را واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان قلمداد می‌کند (مقدمه قانون اساسی) و مسکن را حق هر خانواده اعلام نموده است. (اصل ۳۱) در اصل دهم، بند سوم اصل بیست‌ویکم و بند یک اصل چهارم و سوم قانون اساسی خانواده به‌عنوان موضوع مستقل مورد توجه واقع شده است. بند سوم اصل بیست‌ویکم ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده پیش‌بینی شده است. در اصل سی‌ویکم داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی دانسته شده است. بند یک اصل چهارم و سوم قانون اساسی «تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد تأمین نیازهای اساسی و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه» را مقرر کرده است.

موارد دیگری نیز وجود دارد که هویت جمعی خانواده فراتر از اعضای آن موضوع حکم و یا تکلیف واقع شده است و جهت اختصار از ذکر آن‌ها خودداری می‌شود. از همه موارد می‌توان نتیجه گرفت گرچه اعضای خانواده تشکیل‌دهنده خانواده هستند مع‌الوصف خانواده موضوعی مستقل از اعضای آن دارد.

۵-۲. وجود مصالح، منافع ضروری و هدف مشروع برای خانواده: همان‌طور که قبلاً اشاره شد هدف

خانواده رسیدن به آرامش اعضای آن و تربیت افراد اعم از فرزندان، والدین، زوج و زوجه است و حفظ کیان آن از اهداف مهم جامعه، حکومت و دولت است. در خیلی از موارد مصالح خانواده و مصالح عامه هم‌پوشانی دارد و از هم‌پاشیدن این بنیان می‌تواند تبعات بسیار نامطلوبی را نه‌تنها برای اعضای خانواده، بلکه برای اجتماع به همراه داشته باشد (اسدی^{۳۲}، ۱۳۸۶). از این رو وجود مصالح و هدف مشروع برای خانواده اجتناب‌ناپذیر است.

۵-۳. برخی احکام مترتب بر خانواده: در حقوق و همچنین در فقه، مواردی موجود است که خانواده

موضوع حکم و یا تکلیف قرار گرفته است. به‌عنوان مثال در اعلامیه جهانی حقوق بشر خانواده رکن طبیعی و اساسی اجتماع تلقی شده است که حق برخورداری از حمایت جامعه و دولت را دارد (بند ۳ ماده ۱۶). در اصل دهم قانون اساسی مقرر شده است که قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط، باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پایداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد.

۴-۵. اهلیت تملک و صلاحیت مالک شدن خانواده: در فقه، باعنایت به ضابطه تشخیص شخصیت حقوقی - یعنی اهلیت تملک و صلاحیت مالک شدن و صاحب ذمه بودن - نمی‌توان برای خانواده شخصیت حقوقی قائل شد. از این رو وقف بر قوم و قبیله، عشیره، اسره و خانواده که مجاز دانسته شده است (محقق حلی^{۳۳}، ۱۴۱۲ق؛ علامه حلی^{۳۴}، بی‌تا؛ نجفی^{۳۵}، ۱۳۵۹ق) وقف بر اعضای خانواده محسوب شده و درنهایت به وسیله اعضای آن استیفا می‌شود.

۶. ارزیابی دیدگاه‌ها و دیدگاه برگزیده

برای نفی شخصیت حقوقی خانواده، اندیشمندان راه‌های گوناگونی پیموده‌اند. به‌عنوان مثال نویسنده‌ای اذعان داشته است که خانواده حقوق و تکالیفی مجزا از تکالیف اعضای خود ندارد و درجایی مورد خطاب واقع نشده است (حکمت‌نیا، ۱۳۹۰). فرد دیگری علت مخالفت خود با شخصیت حقوقی خانواده را فقدان دارایی مشترک خانواده ذکر کرده است (دادمرزی، ۱۳۹۴)، اما چنان‌که مشهود است باید بین ضابطه تشخیص یافتن شخصیت حقوقی با آثار مترتب بر آن فرق نهاد و عوامل مؤثر در تشکیل شخصیت حقوقی (موضوع مستقل، وجود مصالح و منافع و اراده معتبر) را غیر از آثار تشکیل آن (نام و نشان، اقامتگاه، تابعیت، اهلیت، دارائی و مسئولیت) دانست. در جمع‌بندی باید گفت مشکل اساسی شناسایی شخصیت حقوقی خانواده، فقدان مؤلفه‌های تشکیل شخصیت حقوقی (نبود اراده معتبر برای خانواده) است که در نتیجه نمی‌توان برخی آثار و احکام شخصیت حقوقی را بر آن بار کرد؛ لذا نظریه عدم شخصیت حقوقی خانواده وجیه می‌نماید؛ بنابراین اثبات شخصیت حقوقی برای خانواده در فقه امامیه و حقوق ایران ممکن نیست و بالفرض در صورت اثبات نیز به‌دلیل غلبه روح فردگرایی بر جامعه، مشکلات عدیده‌ای پیش خواهد آمد. با این حال در فقه امامیه و حقوق ایران در برخی موارد دیده می‌شود که نگاه سیستماتیک بر خانواده حاکم است. ممکن است این اشکال مطرح شود که نفی شخصیت حقوقی درعین تصریح به اهلیت تمتع برای خانواده غیرقابل جمع است. این ایراد مبتنی بر اصالت و خدشه‌ناپذیری دوگانه‌ها در دانش حقوق، ازجمله تقسیم شخصیت به شخصیت حقوقی و شخصیت حقیقی است؛ درحالی‌که نگارندگان بر این باورند تقسیم مذکور در اغلب موارد کارآمد و رهگشاست. با وجود این ممکن است در حیات اجتماعی انسانی موارد و مصادیقی یافت شود که از تمامی آثار و احکام شخصیت حقوقی یا حقیقی تبعیت نکند لذا چه بسا بتوان از آن موارد و مصادیق به‌عنوان ماهیت مستقل یاد کرد. در حالی‌که مانع‌الجمع تلقی کردن بین ترتب برخی از آثار و نفی بعضی دیگر از آثار، مبتنی بر غیرقابل خدشه‌انگاری دوگانه شخصیت حقوقی و شخصیت حقیقی است. بالوجدان در می‌یابیم که آثاری بر خانواده بما هی خانواده مترتب می‌شود مانند اینکه در ایراد خسارت معنوی به اعتبار و حیثیت آن لطمه وارد می‌شود و مطالبه جبران آن از ناحیه نفس خانواده میسر نیست نه از آن جهت که محجور است بلکه از آن جهت که قابلیت اقامه دعوا را ندارد. از این رو هر یک از اعضا می‌تواند نسبت به مطالبه جبران خسارت اقامه دعوا نماید، در افراد محجور استعداد و قابلیت طرح دعوا وجود دارد ولی به جهت عروض مانع، استیفا میسر نمی‌باشد. چنان‌که در منابع دین به اصالت جامعه و به تبع آن خانواده اذعان نمائیم و از طرفی آثار مترتب بر آن در ادله فقهی کاملاً با شخصیت حقوقی منطبق نباشد، بایسته است با اجتهاد به ماهیتی مستقل اذعان نماییم. به عبارت دیگر خانواده یک تأسیس در فقه و حقوق ایران به شمار می‌آید و ماهیت مستقل از اعضای خود دارد

که این ماهیت مستقل خانواده از فقه امامیه، اسناد بالادستی و قوانین عادی جمهوری اسلامی ایران قابل استنباط است که ادامه مطالب به اثبات آن پرداخته خواهد شد. نتیجه این رویکرد نوین آن است که خانواده به این اعتبار دارای آثار و احکامی جدا از آثار و احکام اعضای آن می‌باشد که برخی از آن عبارت است از: برخورداری از حق حریم خصوصی، حق حیثیت معنوی، حق حمایت از تشکیل، تحکیم و تعالی، وجوب حفظ کیان خانواده و...

۷. خانواده به مثابه ماهیت مستقل در فقه و حقوق

شهید مطهری اجتماع خانوادگی را اجتماع طبیعی قراردادی می‌داند و معتقد است که خانواده حد وسط میان یک اجتماع غریزی و اجتماع قراردادی است. به عنوان نمونه اجتماع زنبور عسل یک اجتماع غریزی است که تمامی حدود آن مشخص شده می‌باشد و اعضا امکان سرپیچی ندارند و اجتماع قراردادی مانند اجتماع مدنی انسان‌هاست که کمتر جنبه طبیعی و غریزی دارند. ایشان خانواده را به لحاظ رسالت و طبیعت و ساختار بدنی و احساسی زن و مرد مجموعه واحد می‌داند که دارای هدف ویژه‌ای است. ایشان ابتدا به دیدگاه شرکت‌انگاری خانواده اشاره کرده و درصدد نقد آن برمی‌آید و در این باره معتقد است که اروپاییان خانواده را شرکت سرمایه‌های انسانی همانند سایر شرکت‌ها می‌دانند که در آن باید بر اساس عدالت رفتار شود. به همین جهت نفقه، مهریه و چندمسری را ممنوع کرده‌اند. ایشان سپس شرکت و مالک بودن خانواده را نفی می‌کند و اساس خانواده را وحدت و یا به عبارت دیگر وحدت عاطفی و فداکاری برای یکدیگر بیان کرده که اساس آن فراتر از اعتدال است. ایشان صراحتاً بیان نموده‌اند که در اسلام خانواده حقوق، تکالیف و مجازات‌های مخصوص به خود و حیات اجتماعی مستقل از اعضا دارد. ایشان نفقه، ارث، اطاعت و... را به عنوان نمونه‌هایی از مصادیق تکالیف خانواده می‌دانند و عواطف شدید میان اعضای خانواده را عامل تبدیل «من»‌های افراد به «ما» می‌داند. این اندیشمند قرن معاصر علاقه اعضای خانواده را شبیه به روابط شیمیایی می‌داند که در آن تبدیل و تبدل عناصر جزئی و کوچک‌تر در یک عنصر بزرگ‌تر اتفاق می‌افتد که در نتیجه آن ماهیت جدید تشکیل می‌شود (مطهری^{۳۶}، ۱۳۸۹).

سرچشمه اندیشه استاد مطهری دیدگاه‌های علامه طباطبایی در بحث جامعه است که ایشان برای اجتماع هویت مستقل از افراد قائل است که خانواده در این تفکر اولین اجتماعی است که خصیصه مذکور در آن متبلور شده است (طباطبایی^{۳۷}، ۱۴۱۲ق). به عبارت دیگر خانواده که از طریق ازدواج تشکیل می‌شود یک هویت مستقل از افراد را داراست که احکام و آثاری بر آن مترتب می‌شود. این هویت جمعی که علامه فرموده است علت پدید آمدن شخصیت اجتماعی برای هر جامعه‌ای است که حتی ایشان معیار قضاوت در خصیصه‌هایی همچون صداقت، امانت‌داری و... را شخصیت افراد آن جامعه نمی‌داند بلکه معیار اساسی را شخصیت اجتماعی جامعه دانسته است (طباطبایی، ۱۴۱۲ق).

در واقع باید گفت درست است که خانواده از مجموعه اشخاص حقیقی پدید آمده است لکن واقعیتی جز واقعیت شخص حقیقی یعنی فرد را دارد؛ چنان‌که جنگل و شهر و دریا واقعیتی جز واقعیت درخت و افراد و قطره آب را دارند و این امر واقعی و فرضی و خیالی نیست. به هر حال باید توجه داشت خانواده تنها افراد و اعضای خانواده را دربر نمی‌گیرد بلکه خود یک ماهیتی است که بر آن برخی آثار و احکام جدای از احکام

اعضای خانواده نسبت به یکدیگر مترتب می‌شود و همچنین به همین جهت است که گفته‌اند: «کلیت خانواده معادل جمع اجزاء آن نیست بلکه این شبکه تأثیر و تأثر مستمر روابط اجزاء است که بر پیچیدگی خانواده می‌افزاید» (آراسته‌خو^{۳۸}، ۱۳۸۱). حتی برخی از جامعه‌شناسان، بنیاد خانواده را تابعی از کارکردهای خانواده که یک متغیر مستقل و ثابت است، شمرده و آورده‌اند که: «در خانواده صفات و ویژگی‌هایی پدید می‌آید که از صفات تک‌تک اعضای آن مستقل است.» (آراسته‌خو، ۱۳۸۱)

دکتر کاتوزیان در کتاب خود به لزوم اصالت حقوق خانواده و رجحان مصالح جمعی بر منافع فردی اشاره می‌کنند. (کاتوزیان، ۱۳۹۴) ایشان ضمن مردود دانستن پیشنهاد‌های اندیشمندان در خصوص اتحاد و یا نهاد نامیدن خانواده و شخصیت حقوقی خانواده، راهکار اصالت‌بخشی به خانواده در برابر قراردادهای و تعهدات مدنی را جهت ضرورت مزبور ارائه داده است. به هر صورت باید گفت خانواده یک نهاد اصیل اجتماعی مستقل است و بایسته است با دید نظام‌مند، اندام‌وار و اصالت اجتماع در کنار اصالت فرد به آن نگریست؛ لذا در فقه امامیه و حقوق ایران آثار و احکامی بر آن مترتب شده است. به عبارت دیگر در کنار دید فردی به خانواده و تبیین وظایف و احکام زوج، زوجه و فرزندان، برای خانواده بماهو خانواده نیز می‌بایست آثار و احکامی جدای از احکام فردی اعضا و آثار زوجیتی و والدینی در نظر گرفت؛ در واقع باید خانواده را موجود زنده‌ای تلقی کنیم که پویاست، تاریخ تأسیس دارد (که همان مرحله شکل‌گیری خانواده است) حیات آن استمرارش است و پایان آن نیز زمان انحلالش می‌باشد، دارای سنت‌های مخصوص خود است که در هر مرحله هنجارها و قوانینی بر آن حاکم است؛ برای مثال خانواده موضوع مستقل پاره‌ای از احکام قرار گرفته است و در مواردی مقنن اراده معتبر برای آن قائل است. همچنین در قرآن (۲۱/ روم) به هدف مشترک آن (رسیدن به آرامش) اشاره شده است.

۷-۱. استقلال ماهیت خانواده در فقه: احکام فقه امامیه خانواده را ماهیتی فراتر از اعضای آن دانسته است؛ گزاره‌هایی همچون آیه شریفه «فَوَأْتُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا: سوره تحریم/ ۶» و یا احادیثی در راستای وجوب حفظ حریم خصوصی خانواده و... بیانگر استقلال ماهیت خانواده است که جملگی آن را یک نهاد فراتر از اعضای آن پنداشته و تمامی قوانین مربوط بدان با دید اصالت فرد توجیه نمی‌شود.

۷-۲. استقلال نهاد خانواده در اسناد بالادستی: در سیاست‌های کلی خانواده که از سوی عالی‌ترین مرجع سیاست‌گذاری (مقام رهبری) ابلاغ می‌شود در شانزده بند، سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴، سیاست‌های کلی برنامه‌های یکم تا ششم توسعه، بند نُه سیاست‌های کلی نظام اداری و قانون اهداف و اصول تشکیل خانواده و سیاست‌های تحکیم و تعالی آن به‌خوبی این مهم مورد تأکید واقع شده است.

در مقدمه قانون اساسی و اصول دهم، بیست‌ویکم، سی‌ویکم، چهل‌وسوم از خانواده به‌عنوان یک هویت مستقل که دارای حقوقی من‌جمله حق مسکن، حفاظت، حمایت و... است نام برده شده است. موارد دیگری نیز در اسناد بالادستی وجود دارد که از خانواده یاد شده است. ناگفته واضح است در این مواد هنگامی که از خانواده سخن گفته می‌شود، منظور چیزی فراتر از اعضای آن است و سواً زوجین و فرزندان برای آن ماهیت مستقلی متصور شده است که در جهت حفظ و پایداری‌اش دولت را نیز موظف به انجام اقداماتی نموده است.

درواقع خانواده به‌عنوان یکی از دغدغه‌های قانون اساسی و سیاست‌گذاری‌ها و دیگر قوانین بحث خانواده، فارغ از اعضای آن مورد توجه قرار گرفته است.

۷-۳. استقلال نهاد خانواده در قوانین عادی: جدای از اسناد بالادستی، موضوعیت خانواده در قوانین

عادی و قوانین سطح پایین‌تر از قوانین عادی حتی در مصوبات قوه مجریه موضوعیت خانواده نمود دارد. به‌عنوان مثال آیین‌نامه تشکیل کارگروه ملی خانواده با ترکیب ۲۴ عضو از عالی‌ترین مقامات کشور توسط هیئت وزیران^{۳۹} نشانگر استقلال موضوعی خانواده در قانون و منافع و مصالح برای آن می‌باشد. گرچه احصاء این موارد به دلیل اختصار در این مقال نمی‌گنجد لکن برای نمونه چند مورد را ذکر می‌کنیم:

در ماده ۱۱۰۴ قانون مدنی زوجین را مکلف به تشیید مبنای خانواده کرده است که نشانگر دید فرافردی به موضوع خانواده است و به عبارتی خانواده در زوجین و فرزندان خلاصه نشده است بلکه نهادی تصور شده که زوجین موظف به تشیید مبنای آن هستند.

ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی ریاست خانواده را از خصائص شوهر برشمرده است. مشاهده می‌شود که قانون مدنی در این مورد با دید نظام‌مند به خانواده نگریسته است و ضمن شناسایی نهاد خانواده، ریاست را که از آثار شخصیت حقوقی و حاصل نگرش جمعی به این نهاد اجتماعی است برای آن متصور شده است. طبق ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی و ماده ۱۸ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ زن و شوهر می‌توانند یکدیگر را از اشتغال به حرفه و یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد منع کنند. طبق این ماده نیز مصالح خانوادگی که یک امر غیرفردی و حاصل نگرش جمعی به اعضای خانواده است، به‌قدری مهم تلقی شده که به زوج و زوجه اختیار منع اشتغال طرف مقابل را داده است؛ بنابراین در اینجا هم مصالح خانواده به‌طور مستقل و جدای از مصالح فردی اعضا مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته است.

بنابراین خانواده یک ماهیت مستقل از اعضا و افراد خود دارد و یک تأسیس حقوقی به شمار می‌رود و نگاه نظام‌مند ایجاد می‌کند جنبه‌های تکالیف اجتماعی افراد بر جنبه‌های شخصی غلبه پیدا کند. به‌عنوان مثال ریاست زوج بایستی در جهت تعمیق روابط عاطفی و ارتقای سطح کیفی تعاون و همبستگی اعضا و اعتبار و حیثیت معنوی خانواده به کار گرفته شود و به عبارتی در راستای نظم عمومی باشد و او در خانواده حق سوءاستفاده و حق شخصی در این موقعیت را ندارد.

۷-۴. استقلال نهاد خانواده در اسناد بین‌الملل: اعلامیه حقوق بشر به‌عنوان اولین سند حقوق بشری

بعد از تشکیل سازمان ملل به مقوله خانواده در دو ماده ۱۶ و ۲۵ توجه کرده است. در ماده ۱۶ این اعلامیه ضمن برابری زن و مرد در تشکیل خانواده آن را یک واحد گروهی طبیعی و زیربنایی برای جامعه معرفی کرده که سزاوار است تا به‌وسیله جامعه و حکومت نگهداری شود. این ماده صراحتاً خانواده را واحد پویا و زنده دانسته که مورد حق و به‌تبع آن تکلیف قرار گرفته است. همان‌طور که واضح است این ماده خانواده را موضوع حکم و تکلیف قرار داده، اینکه هدف مشترکی دارد و جامعه و حکومت موظف به نگهداری آن شده‌اند، به عبارتی شاخصه‌های شخصیت حقوقی خانواده به‌خوبی در این ماده نمود پیدا کرده است. ماده ۲۵ این اعلامیه نیز زندگی با استانداردهای قابل قبول جهت تأمین سلامتی و رفاه خود و خانواده را حق هر انسانی دانسته است و از دیگر حقوق خانواده به امور تأمین خوراک، پوشاک، مسکن، مراقبت‌های پزشکی و خدمات اجتماعی اشاره کرده است.

میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، حق حمایت از خانواده و عدم دخالت در زندگی خصوصی و خانوادگی افراد، حق نکاح و تشکیل خانواده و تساوی زن و مرد در حقوق و مسئولیت‌ها در دوران زوجیت و هنگام انحلال آن را از مهم‌ترین حقوق هر فرد می‌داند. در ماده ۱۰ این میثاق بین‌المللی تصریح شده است که کشورهای طرف این میثاق اذعان (قبول) دارند خانواده که عنصر طبیعی و اساسی جامعه است باید از حمایت و مساعدت به‌حداعلائی ممکن برخوردار گردد به‌ویژه برای تشکیل و استقرار آن و مادام که مسئولیت نگاه‌داری و آموزش و پرورش کودکان خود را به عهده دارد. در ماده ۱۱ نیز به هر فرد حق سطح کافی زندگی برای خود و خانواده‌اش شامل خوراک، پوشاک و مسکن کافی داده شده و همچنین بهبود مداوم شرایط زندگی به رسمیت شناخته شده و کشورها را موظف به اتخاذ تدابیر جهت تحقق این حق کرده است. ماده ۱۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز به بحث خانواده پرداخته و آورده شده است که هیچ‌کس نباید در زندگی خصوصی و خانواده و اقامتگاه یا مکاتبات مورد مداخلات خودسرانه (بدون مجوز) یا خلاف قانون قرار گیرد و هر کس حق دارد در مقابل این‌گونه مداخلات یا تعرض‌ها از حمایت قانون برخوردار گردد. در ماده ۲۳ این میثاق بین‌المللی خانواده عنصر طبیعی و اساسی جامعه شناخته شده که استحقاق حمایت جامعه و حکومت را دارد. همچنین حق نکاح و تشکیل خانواده برای زنان و مردان از زمانی که به سن ازدواج می‌رسند به رسمیت شناخته شده است. این میثاق دولت‌ها را نیز موظف به اندیشیدن تدابیری به‌منظور تساوی حقوق و مسئولیت‌های زوجین در مورد ازدواج در مدت زوجیت و هنگام انحلال آن کرده است.

بحث و نتیجه‌گیری

۱. تاکنون نگرش غالب به نهاد خانواده تک‌جانبی بوده است بدین معنی که همواره آنچه مورد نظر قانون‌گذار و علمای حقوقی بوده، احکام، تکالیف و حقوق زوجین و فرزندان نسبت به یکدیگر است. درحالی‌که بررسی مستقل ماهیت خانواده یکی از موضوعات بسیار مهم است چرا که در برخی موارد دیده می‌شود خانواده مستقلاً مورد حق و تکلیف قرار گرفته است. در شناسایی ماهیت نهاد خانواده ابتدا از شخصیت حقوقی خانواده بحث می‌شود. برای فراهم آوردن شخصیت حقوقی نیاز عواملی از جمله موضوع مستقل، مصالح و منافع مشترک (هدف مشروع) و اراده معتبر است. آثاری همچون نام و نشان، اقامتگاه، تابعیت، اهلیت (اعم از اهلیت تمتع و اهلیت استیفا)، داری و مسئولیت نیز بر شخصیت حقوقی مترتب است. خانواده به دلیل فراهم نبودن مؤلفه‌های تشکیل شخصیت حقوقی (اراده معتبر) در فقه امامیه و حقوق ایران خانواده فاقد شخصیت حقوقی است.

۲. باید توجه داشت خانواده درحالی‌که از مجموعه اشخاص حقیقی پدید آمده است تنها افراد و اعضای خانواده را دربر نمی‌گیرد بلکه واقعیتی جدا از واقعیت شخص حقیقی یعنی فرد را دارد و این امر واقعی و فرضی و خیالی نیست. بر این ماهیت مستقل، آثار و احکام جدای از احکام اعضای خانواده در فقه امامیه و حقوق ایران مترتب شده است؛ لذا گفته می‌شود که کلیت خانواده معادل جمع اجزای آن نیست بلکه این شبکه تأثیرات مؤثر مستمر روابط اجزاء است که بر پیچیدگی شناسایی خانواده می‌افزاید. به عبارت دیگر در فقه

سنتی و مسئله‌محور احکام و حقوق بر اعضای خانواده بر اساس رابطه زوجیت و قرابت مترتب شده است ولی اگر برای خانواده ماهیت مستقل در نظر گرفته شود می‌توان احکامی چون وجوب حفظ نظام خانوادگی، حرمت ایراد خسارت معنوی به حیثیت خانوادگی، وجوب حفظ حریم خصوصی خانواده را از احکام مترتب بر نهاد خانواده به شمار آورد.

۳. در احکام فقه امامیه، اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران، قوانین عادی و اسناد بین‌المللی نیز این نگرش قابل استنباط است. به‌عنوان نمونه در گزاره‌هایی همچون آیه شریفه «فُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَاراً: سوره تحریم/ ۶»، احادیث وجوب حفظ حریم خصوصی خانواده، بند ۱۶ سیاست‌های کلی خانواده، برنامه‌های یکم تا ششم توسعه، بند ۹ سیاست‌های کلی نظام اداری و قانون اهداف و اصول تشکیل خانواده و سیاست‌های تحکیم و تعالی آن، اصول ۱۰، ۲۱، ۳۱، ۴۳ قانون اساسی، مواد ۱۱۰۴ و ۱۱۰۵ و ۱۱۱۷ قانون مدنی و ماده ۱۸ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱، ماده ۱۶ و ۲۵ اعلامیه حقوق بشر، مواد ۱۰ و ۱۱ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، مواد ۱۷ و ۲۳ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و... هنگامی که از خانواده سخن گفته می‌شود، منظور چیزی فراتر از اعضای آن است و سوای زوجین و فرزندان برای آن ماهیت مستقلی تصور شده است و قوانین مربوط بدان با دید جزءنگری توجیه نمی‌شود. بنابراین خانواده را می‌توان یک تأسیس فقهی - حقوقی به شمار آورد که در آن جنبه‌های تکالیف اجتماعی افراد بر جنبه‌های شخصی غلبه پیدا کند. به‌عنوان مثال ریاست زوج بایستی در جهت تعمیق روابط عاطفی و ارتقای سطح کیفی تعاون و همبستگی اعضا و اعتبار و حیثیت معنوی خانواده به کار گرفته شود و به عبارتی در راستای نظم عمومی باشد و او در خانواده حق سوءاستفاده و حق شخصی در این موقعیت را ندارد. نتیجه آنکه این رویکرد نوین به نهاد خانواده بایستی توسط قانون‌گذار ایران بیشتر مورد توجه قرار گیرد و قوانین جهت نگرش جمعی به نهاد خانواده تغییر یابد.

پی‌نوشت‌ها

- | | |
|-----------------------------------|--------------------------------|
| 1. Katouzian | 21. Tavasli Naini & Pourmurad |
| 2. Naghibi | 22. Taheri |
| 3. Dadmarzi | 23. Naqibi & Shahriari |
| 4. Jafari langrodi | 24. Hikmat Nia |
| 5. Dinani | 25. Jafari Harandi |
| 6. Engels | 26. Safayi |
| 7. Karlsson | 27. Timuri |
| 8. legal assignment, legal person | 28. Murray |
| 9. Saffar | 29. Henri Leon et Jean Mazeaud |
| 10. Shaygan | 30. Savatier, René |
| 11. Salehi Najafabadi | 31. livret de famille |
| 12. Kyaiy | 32. Asadi |
| 13. Social institution | 33. Mohaghegh Helli |
| 14. Mesbah Yazdi | 34. Allameh Helli |
| 15. Henry | 35. Najafi |

- | | |
|------------------------------|----------------------------|
| 16. Rusk & Warren | 36. Motahari |
| 17. Safai & Qasimzadeh | 37. Tabatabai |
| 18. Unity of citizenship | 38. Arasteh Khoo |
| 19. Citizenship independence | 39. در جلسه مورخ ۱۳۸۷/۴/۱۹ |
| 20. Imani Naini & Sadeghi | |

منابع

- ابراهیمی، ن. (۱۳۸۳). حقوق بین‌الملل خصوصی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
- آراسته خو، م. (۱۳۸۱). نقد و نگرش بر فرهنگ اصطلاحات علمی - اجتماعی، چاپ اول، تهران: انتشارات چاپخش.
- اسدی، ل. (۱۳۸۶). ظرفیت حکومت اسلامی و ضرورت ولایت مادر، مطالعات راهبردی زنان، ۳۵، ۶۰-۵۴.
- ارفع نیا، ب. (۱۳۷۴). حقوق بین‌الملل خصوصی، چاپ پنجم، تهران: انتشارات عتیق.
- امامی، ح. (۱۳۹۶). حقوق مدنی، چاپ ۲۴، تهران: انتشارات اسلامی.
- ایمانی نائینی، م.، صادقی، م.، عبدی، ف. (۱۳۹۰). بررسی امکان گسترش حمایت‌های حقوقی در مورد ازدواج زنان با اتباع غیرایرانی، مطالعات راهبردی زنان، (۴) ۵۴، ۱۳۴-۹۱.
- توسلی نائینی، م.، پورمراد، ر. (۱۳۹۶). اصل وحدت تابعیت زوجین در حقوق ایران، بریتانیا و کنوانسیون‌های بین‌المللی، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، ۲۰، ۳۳-۹.
- تیموری، م. (۱۳۸۵). ماهیت شخصیت حقوقی و نظریات مرتبط با آن، دانش پژوهان، ۹(۱)، ۲۳-۱۷.
- جعفری هرندی، م. (۱۳۸۴). جایگاه شخصیت حقوقی، فقه و مبانی حقوق، ۱، ۱۵-۱.
- جعفری لنگرودی، م. (۱۳۸۸). مبسوط در ترمینولوژی حقوق، چاپ چهارم، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- _____ (۱۳۸۷). حقوق خانواده، چاپ دوم، تهران: کتابخانه گنج.
- _____ (۱۳۹۲). تأثیر اراده در حقوق مدنی، چاپ سوم، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- _____ (۱۳۶۱). مقدمه عمومی علم حقوق، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- حکمت‌نیا، م. (۱۳۹۰). حقوق زن و خانواده، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- دادمرزی، م. (۱۳۹۲). ریاست خانواده در روابط زوجین، رساله دکتری، دانشگاه قم.
- _____ (۱۳۹۴). امکان‌سنجی پذیرش نظریه «شخصیت حقوقی خانواده در حقوق ایران، کشورهای اسلامی، غرب و فقه اسلام، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ۳(۱)، ۲۱-۱.
- دیانی، ع. (۱۳۷۹). حقوق خانواده ازدواج و انحلال آن، چاپ اول، تهران: انتشارات امید دانش.
- روسک، ج.، وارن، ر. (۱۳۶۹). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی، (ترجمه بهروز نبوی)، احمد کریمی چاپ سوم، تهران: کتابخانه فروردین.
- سلجوقی، م. (۱۳۸۱). حقوق بین‌الملل خصوصی، چاپ سوم، تهران: دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی.
- شایگان، ع. (۱۳۷۵). حقوق مدنی، چاپ اول، قزوین: انتشارات طاها.
- صالحی نجف‌آبادی، م. (۱۳۹۲). مسئولیت مدنی اشخاص حقوقی خصوصی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، نراق.
- صفار، م. (۱۳۷۳). شخصیت حقوقی، چاپ اول، تهران: نشر دانا.
- صفایی، ح.، قاسم‌زاده، م. (۱۳۹۶). اشخاص و محجورین حقوق مدنی، چاپ ۲۳، تهران: انتشارات سمت.
- _____ (۱۳۷۴). حقوق خانواده، چاپ چهارم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- طباطبایی، م. (۱۴۱۲). *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: انتشارات اسماعیلیان.
- طاهری، ح. (۱۴۱۸). *حقوق مدنی (طاهری)*، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. علامه حلی، ح. (بی تا). *تحریر الاحکام الشرعیه علی مذهب الامامیه*، مشهد: انتشارات مؤسسه آل‌البیت (ع). کانونزبان، ن. (۱۳۹۴). *دوره حقوق مدنی خانواده*، چاپ چهارم، تهران: شرکت سهامی انتشار. کیایی، ک. (۱۳۵۰). *حقوق تجارت*، بی جا: بی نا.
- محقق حلی، ج. (۱۴۱۲). *نکت‌النهاییه*، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. مصباح یزدی، م. (۱۳۷۹). *جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن*، چاپ سوم، تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌المللی. مطهری، م. (۱۳۸۹). *یادداشت‌های استاد مطهری*، تهران: انتشارات صدرا.
- _____ (۱۳۹۷). *نظام حقوق زن در اسلام*، چاپ ۲۰، تهران: انتشارات صدرا.
- نجفی، م. (۱۳۵۹). *تحریر المجله*، نجف: المکتب المرتضویه.
- نصیری، م. (۱۳۸۴). *حقوق بین‌الملل خصوصی*، چاپ سیزدهم، تهران: انتشارات آگاه.
- نقیبی، ا.، شهریار، م. (۱۴۰۱). *مفهوم، مصادیق و مستندات فقهی و حقوقی حریم خصوصی خانواده*، مجله فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)، ۲۷(۵۶)، ۲۷-۷.
- هانری، م. (۱۳۴۹). *مبانی جامعه‌شناسی*، (ترجمه: باقر پرهام)، چاپ اول، تهران: امیرکبیر.

- Asadi, L. (2007). The Capacity of Islamic Government and the Necessity of Motherhood, *Strategic Studies of Women*, No. 35, pp. 54-60.
- Allameh Hali, H. (Bita). *Tahrir al-Ahkam al-Shari'ah on the Imamiyya religion*, Mashhad: Al-AI-Bayt (AS) Institute Publications [In Arabic].
- Arasteh Kho, M. (2002). *Critique and Attitude on the Culture of Scientific-Social Terms*, First Edition, Tehran: Chapakhsh Publications [In Persian].
- Arfa Nia, B. (1995). *Private International Law*, Fifth Edition, Tehran: Atiq Publications [In Persian].
- Dadmarzi, M. (2013). *Head of Family in Couples Relationships*, PhD Thesis, Qom University [In Persian].
- Dadmarzi, M. (2015). Feasibility study of accepting the theory of "Legal personality of the family in Iranian law, Islamic countries, the West and Islamic jurisprudence, *Comparative Law Research*, No. 3, pp. 1-22.
- Diani, A. (2000). *Marriage Family Law and Its Dissolution*, First Edition, Tehran: Omid Danesh Publications [In Persian].
- Ebrahimi, N. (2004). *Private International Law*, Tehran: Organization for the Study and Compilation of University Humanities Books [In Persian].
- Emami, H. (2017). *Civil Law*, 24th Edition, Tehran: Islamic Publications [In Persian].
- Engels, F (1973), *The Origin of the Family, Private Property and the State*, New York: International Publishers
- Hekmatonia, M. (2011). *Women and Family Rights*, Tehran: Publishing Organization of the Institute of Islamic Culture and Thought [In Persian].
- Henry, M. (1970). *Fundamentals of Sociology*, (translation: Baqir Parham), first edition, Tehran: Amirkabir [In Persian].
- Imani Naini, M., Sadeghi, M., Abdi, F. (2010). Investigating the possibility of expanding legal protections for women marrying non-Iranian nationals, *Journal of Strategic Studies of Women*, Year 4, Number 54, pp. 134-91.
- Jafari Harandi, M. (2005). The status of legal personality, jurisprudence and principles of law, No. 1, pp. 1-15.

- Jafari Langroudi, M. (2009). *Extensive in Legal Terminology*, Fourth Edition, Tehran: Ganj-e-Danesh Library [In Persian].
- (2008). *Family Law*, Second Edition, Tehran: Ganj Library [In Persian].
- (2013). *The Impact of Will in Civil Law*, Third Edition, Tehran: Ganj-e-Danesh Library [In Persian].
- (1982). *General Introduction to Law*, Tehran: Ganj-e-Danesh Library [In Persian].
- Karlsson, G (1963), *Adaptability and Communication in Marriage*, Ottawa: (N.J) Bedminster Press, 2nd edition
- Kiai, K. (1971). *Commercial law*, Bija, Bina [In Persian].
- Katozian, N. (2015). *Family Civil Law Course*, Fourth Edition, Tehran: Anteshar Co [In Persian].
- Motahari, M. (2010). *Professor Motahari's Notes*, Tehran: Sadra Publications [In Persian].
- (2017). *The system of women's rights in Islam*, 20th edition, Tehran: Sadra Publications [In Persian].
- Mohaghegh Hali, J. (1991). *The final point*, first edition, Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Society of Teachers of the Seminary of Qom [In Arabic].
- Murray S. Y. Bessette, *Hegel's Analysis of the Family in Elements of the Philosophy of Right: An interpretation*, Morehead State University, The 2010 Midwest Political Science Association Meeting, 22 April 2010 – 25 April 2010. 171.
- Mesbah Yazdi, M. (2000). *Society and History from the Perspective of the Quran*, Third Edition, Tehran: International Publishing Company [In Persian].
- Naqibi, A. Shahriari, M. (2022). *The concept, examples and jurisprudential and legal documents of family privacy*, Volume 27, Number 76, pp. 5-27.
- Najafi, M. (1980). *Written by the magazine*, Najaf: Al-Muktazawiyah Library [In Arabic].
- Nasiri, M. (2005). *Private International Law*, 13th Edition, Tehran: Agah Publications [In Persian].
- Rusak, J. Warren, R. (1990). *Introduction to the Society of Intelligence*, (Translated by No Today), Ahmad Karimi Third Edition, Tehran: Farvardin Library [In Persian].
- Salehi Najafabadi, M. (2013). *Civil Liability of Private Legal Entities*, Master Thesis, Islamic Azad University, Naragh [In Persian].
- Safaei, H., & Qasemzadeh, M. (2017). *Civil Rights Persons and Inmates*, 23rd Edition, Tehran: Samt Publications [In Persian].
- (1995). *Family Law*, Fourth Edition, Tehran: University of Tehran Publication [In Persian].
- Saffar, M. (1994). *Legal personality*, first edition, Tehran: Dana Publishing [In Persian].
- Seljuk, M. (2002). *Private International Law*, Third Edition, Tehran: International Legal Services Office [In Persian].
- Shaygan, A. (1996). *Civil Law*, First Edition, Qazvin: Taha Publications [In Persian].
- Taheri, H. (1997). *Civil Law (Taheri)*, Second Edition, Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Qom Seminary Teachers Association [In Persian].
- Tabatabai, M. (1991). *Balance in the interpretation of the Qur'an*, Qom: Ismailian Publications [In Arabic].
- Tavassoli Naini, M.; Pourmorad, R. (2017). *The Principle of Unity of Couples' Citizenship in Iranian, British, and International Conventions*, Quarterly Journal of Private Law Research, No. 20, pp. 9-33.
- Teymouri, M. (2006). *The nature of legal personality and related theories*, Scholars, No. 9.